



انحراف سازمان نظام مهندسی ساختمان

همچنین آموزش حرفه‌ای مستمر و ترویج اخلاق حرفه‌ای، جزء ویژگی‌های این نظام‌های حرفه‌ای است. ضمن اینکه این نظام‌های حرفه‌ای برای متخلفان مجازات انتظامی قائل هستند». رئیس انجمن صنعت ساختمان همچنین تأکید می‌کند: «یکی از کارهای سازمان‌های نظام‌های حرفه‌ای رساندن صدای حرفه‌مندان به حاکمیت است و برخلاف سندیکایها، اتحادیه‌ها و اصناف، سازمان‌های نظام حرفه‌ای موازی وجود ندارد. ضمن اینکه این سازمان‌ها شخصیت غیردولتی دارند اما تحت نظارت حاکمیت هستند. همچنین سازمان‌های نظام حرفه‌ای به موجب قانون خاص تأسیس می‌شوند و وظایف قانونی مستقل از دستگاه‌های دولتی دارند. علاوه بر این سازمان‌های نظام حرفه‌ای از حریم قانونی حرفه و حرفه‌مندان از طریق گفت‌وگو با سه قوه به طور عام دفاع می‌کنند و کاری به صنفی خاص ندارند. همچنین این سازمان‌ها رآسا به اشخاص یا مراجع دولتی خدمات حرفه‌ای نمی‌دهند و خود را رقیب حرفه و حرفه‌مندان نمی‌دانند و ویژگی آخر این نظامات حرفه‌ای این است که در امور سیاسی دخالت نمی‌کنند و قوانین آنها لازم‌الاجراست.»

❖ **نظام مهندسی ساختمان به پیراهن رفته است**

رئیس انجمن صنعت ساختمان درباره عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان توضیح می‌دهد: «عمر سازمان نظام مهندسی ساختمان در ایران چندان زیاد نیست، نسبت به سازمان نظام پزشکی که سال ۱۳۳۹ فعالیت خود را شروع کرد یا کانون وکلا که قدمت بیشتری دارد و از سال ۱۳۱۷ شروع به کار کرد. سازمان نظام مهندسی ساختمان در سال ۱۳۶۹ تأسیس شد و کار خود را در ۱۲ استان از سر گرفت اما بعد از گذشت ۳۴ سال کانون مطالعه جامع و نظام‌مندی در ارتباط با ارزیابی فعالیت نظام مهندسی انجام نشده است. البته یکی دو مورد مطالعات آسیب‌شناسی به سفارش مرکز تحقیقات راه و مسکن و شهرسازی در سال ۱۴۰۱ انجام شده است. به جز این مطالعه آسیب‌شناسی که محدود به ارجاع کار توسط مرکز پژوهش‌های مجلس بوده و چند مقاله متفرقه، کار جدی در این زمینه انجام نشده است». جوزی در ادامه می‌گوید: «قانون نظام مهندسی هم از حیث قانون نارسایی‌های دارد و هم از لحاظ انحرافات که طی این ۳۴ سال در قالب آیین‌نامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها تجربه کرده است. به عنوان مثال سازمان نظام مهندسی برای تعیین و ارزیابی صلاحیت علمی حرفه‌مندان همیشه ناکام مانده و آزمون‌های ارزیابی باکیفیتی در سال‌های گذشته نداشته یا فرایندهای صوری نظارت در این سازمان در سال‌های گذشته مدام جالش‌برانگیز بوده و برای اغلب مهندسین، نظارت یک شغل جانیی است. همچنین در طول سال‌های گذشته اغلب کسانی که به عنوان هیئت‌مدیره این سازمان‌ها معرفی شدند، افرادی هستند که در این شرکت‌ها نه سهام دارند و در حقیقت نه سمت دارند و نه فعالیت می‌کنند و فقط مدرکشان را به این شرکت‌ها فروخته‌اند.» او همچنین توضیح می‌دهد: «بودگیست متمرکز، نبود نظام‌نامه و دستورالعمل متمرکز و برخورد سلیقه‌ای با تخلفات از جمله انحرافات در این سازمان است. مورد بعدی این است که هیچ مرجع فنی صالح برای تجدیدنظر در آرای صادره وجود ندارد که به درد سازندگان برسد. حقیقتی مدام پیش می‌آید که گزارش‌های اشتباه به سازمان یا شهرداری از طریق ناظر می‌رسد. مرجعی به نام شورایی انتظامی وجود دارد ولی کاملاً یک‌طرفه است یا اینکه برخلاف تمام سازمان‌های همتای خود در دنیا، برای سازنده نام‌تسخیری می‌گذارد؛ یعنی شخص خاصی را به عنوان ناظر به شما معرفی می‌کنند که برخلاف ماده ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی است، برخلاف شرع است، برخلاف اصل جهانی آزادی اراده و آزادی قراردادهاست. این خودش فساد و رانت درست می‌کند». رئیس انجمن صنعت ساختمان تأکید می‌کند: «در زمینه حق‌الزحمه، سازمان حق‌الزحمه را به صورت یک‌جا از مالک اخذ می‌کند و در حساب‌هایی جیس می‌کنند. این در حالی است که این حق‌الزحمه باید در طول مدت ساخت پرداخت شود اما سازمان بدون رضایت مالک و ناظر از این مبالغ بهره‌مندی و بهره‌برداری می‌کند که این مسئله فساد و رانت ایجاد می‌کند.»

رئیس انجمن صنعت ساختمان در ادامه می‌گوید: «متأسفانه در ایران گروهکشی صدور تأییدیه‌ها باب شده است و سازمان نظام مهندسی با مالک و سازنده حالت گروهکشی دارند تا انتظارات غیرمتعارف خود را برآورده کنند و من نمی‌دانم چرا شهرداری و در حقیقت مراکز بازرسی و مراجع نظارتی دخالت نمی‌کنند؛ این قضیه خیلی عادی شده و متأسفانه از آن قبح‌زدایی شده است. موضوع بعدی در ارتباط با همین مبالغی است که سازمان نظام مهندسی نزد خود حبس می‌کند. متأسفانه این مبالغ دست اختصاصی است که ضمانت کافی یا تضمین لازم را به سازمان ن‌داده‌اند و در همین زمینه چندین سال پیش پرونده‌ای تشکیل شد که اگر ارزش تخلف مالی این پرونده را به‌روزسانی کنیم، امروز معادل هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان است که از حساب سازمان برداشته شد و برگردانده نشد یا می‌بینیم که سازمان می‌آید ناظر معرفی می‌کند، اما مسئولیتی در قبال حسن رفتار یا سوءرفتار ناظر قبول نمی‌کند». جوزی تأکید می‌کند: «در واقع فعالیت بنگاه‌دارانه نظام مهندسی مشکلات جدی ایجاد کرده است و متأسفانه ما می‌بینیم خلق‌الساعه حق‌امضاهای جدید اختراع می‌شود. مثلاً نمونه آن صدور شناسنامه فنی و ملکی ساختمان، معرفی مهندس نقشه‌بردار برای تهیه صورت‌مجلس تفکیکی، معرفی بازرس تأیید-لوله گاز و گاز خانگی و تجاری و اینها، معرفی مهندس مکانیک برای تأیید اتصال خروجی فاضلاب ساختمان به اگو، معرفی مهندس برق برای تأیید نصب کنتور. خب ببینید! یک پروانه که می‌خواهد صادر شود، ۱۷ مهندس را پشت‌قباله این پروانه نظام‌مختمان می‌گذاردند. طراح و محاسب چهار نفر در چهار رشته یا ناظر چهار رشته و… در حقیقت مدام بدنه نظام مهندسی بزرگ و بزرگوار می‌شود، به طوری که از اصل رسالت آن دور شده است.»

❖ **ضرورت اصلاح اساسی ساختار سازمان نظام مهندسی ساختمان**

رئیس انجمن صنعت ساختمان با اشاره به برگزاری قریب‌الوقوع انتخابات سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان تأکید می‌کند: «نظام مهندسی اولاً باید وظیفه اصلی خودش برگردد و سازمان‌زاد بنگهداری که نتیجه آن رانت و فساد است، دوری کند. همچنین ساختار و عملکرد نظام مهندسی بعد از ۳۴ سال باید مورد بازبینی قرار بگیرد». جوزی ادامه می‌دهد: «خوشبختانه اخیراً به دستور وزیر محترم راه و شهرسازی، کمیته تدوین و بازنگری قانون نظام مهندسی به وجود آمده است که خوشبختانه انجمن صنعت ساختمان یکی از کرسی‌های دائمی این کمیته تدوین و بازنگری است و ان‌شاءالله بتواند کار خود را به جدیت پیش ببرد و قانون نظام مهندسی به صورت ریشه‌ای اصلاح شود. ضمن اینکه امیدوارم افراد حرفه‌ای و پاکدست و مؤمن واقعی کرسی‌های این سازمان را به دست آورند و صندلی‌های هیئت مدیره مورد خرید و فروش قرار نگیرد؛ چراکه این صندلی‌ها، صندلی‌های مقدسی هستند و با مقوله حساس ایمنی و جان انسان‌ها سروکار دارند.»

گفت‌وگو با مرتضی اعیان از شاگردی تا استادی

جوانان، آینده عرصه موسیقی کشور هستند

کاوه صادقی، مرتضی اعیان، نوازنده پیش‌کسوت تنبک، از کودکی ناوختن این ساز را در محضر استادانی چون حسین خرسندی تلمذ کرده است. بعدها در مقام نوازنده با حسین علیزاده، جلال ذوالفنون، داوود گنجه‌ای، محمدرضا شجریان، رضوی‌سروستانی، محمدعلی کیانی نژاد، داریوش طائی، داریوش پیرنیاکان، حسین عمومی، حمید متسیم، مجید درخشانی، رضا شفیعیان، جمشید عدلییی و غیره همکاری کرده و در کنسرت‌های متعدد داخلی و خارجی حضور یافته است. او حالا در آستانه ۸۰سالگی در هفدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در مقام داور حضور یافته تا از میان استعدادهای حاضر در این حوزه، برترین‌ها را انتخاب کرده و با راهنمایی‌هایش آنها را آماده حضور در میدان‌های جهانی عرصه موسیقی کند. به همین بهانه با او گفت‌وگویی داشتیم که در زیر می‌خوانید:

❖ **برگردیم به سال‌ها قبل و اینکه چطور شد اصلاً در این مسیر موسیقی قرار گرفتید؟**

برادر بزرگم نوازنده ویولن بود و به من پیشنهاد کرد تنبک را انتخاب کنم تا به همراه هم دونوازی داشته باشیم. به همین دلیل، تحت تعلیم قرار گرفتم و چون کسی نبود که من را به کلاس ببرد از استناد حسین خرسندی خواستند به منزل بیاید و به من آموزش دهد. در این تعلیمات یک سال طول کشید و ایشان دفتر نت‌ی برای من نوشت که کاملاً متفاوت است و کسی باور نمی‌کند که این دفتر نت باشد. او تمام نت‌ها را به خط فارسی برایم نوشت و حالا تصمیم دارم آن را به موزه تحویل دهم تا سندی از او به یادگار بماند. اگر بچه‌ها این دفتر نت را ببینند، متوجه می‌شوند که نسل ما چطور تنبک‌نوازی آموخت و چه تفاوتی با حال حاضر دارد. پس از دوره یک‌ساله، ایشان ساز خودشان را به من هدیه دادند. یک تنبک با قدمت صد سال که در آن زمان موجود بود. وقتی معلم به یک نوجوان ۱۱ساله چنین هدیه‌ای می‌دهد، تصور کنید چه اتفاقی در درون او رخ می‌دهد. من تشویق شدم و بسیار تلاش کردم. به سفارش استادم در آن زمان رادیو گوش می‌کردم و متوجه شدم بعضی از کارها را اصلاً از نظر تکنیکی بلد نیستم و به برادرم گفتم تا با استنادش در میان بگذارد که باید چه کنم. او نیز پیشنهاد کرد تا با هم به آموزش با معلم ادامه دهم. بنابراین سراغ استاد امیرناصر افتتاح رفتم و با وجود آنکه به‌سختی پذیرفتند، اما در محضر ایشان نیز شاگردی کردم. درواقع فقط شاگردی هستم که در آن زمان در منزل آموزش دیدم و استادان تقریباً با هیچ شاگرد دیگری این‌طور کار نکرده بودند. بعد از یک‌سال‌واندی تمرین‌کردن، ایشان من را به رادیو بردند و در برنامه‌های کودک آن زمان نوازندگی کردم؛ اما به دلیل سختی رفت‌وآمد دیگر این راه را ادامه ندادم. تا ۱۸سالگی با برادرم و دوستانم ساز می‌زدم، اما درگیر سرخوردگی شدم و با حس بدی از خودم می‌پریدم که خب قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ تاحدی که سازی را که استاد به من هدیه داده بودند، فروختم به فرهاد دلشاد و نوازندگی را کنار گذاشتم.

❖ **چه شد که به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران پیوستید؟**

این روند ادامه پیدا کرد تا در ۲۶سالگی آقای رضوی‌سروستانی به واسطه آشنایی با برادرم به منزل ما آمد و با هم دیداری داشتیم. او درباره مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران صحبت کرد که برای جذب نیروی کار درحال تلاش هستند و من را دعوت به کار کرد. آنجا با دکتر صفوت آشنا شدم و طی صحبتی که داشتیم یکی از دوستان آقای صفوت سه‌تاری را برداشت و شروع به ناوختن کرد و از من هم خواست تا با تنبک ایشان را همراهی کنم. در مرکز آن زمان حسین علیزاده، جلال ذوالفنون، داوود گنجه‌ای، داریوش طائی، محمد مقدسی و بسیاری دیگر مشغول به کار بودند و من از دوستان پرسیدم فردی که همراه او ناوختم، کیست و با مشخصاتی که دادم دوستان گفتند استاد سعید هرمزی، نوازنده سه‌تار، بودند. از آن به بعد شروع به کار و تمرین بسیار کردم. در آن شرایط مسئولیت گروه با آقای حسین علیزاده بود و من به دلیل اینکه تجربه گروهی نداشتم بسیار از او آموختم. پس از چهار ماه با گروه به سفرهای خارجی رفیم و اجراهای بین‌المللی داشتیم. از جمله در بلژیک و فرانسه که «باله گلستان موریس بژار» را کار کردیم که بخشی از آن موسیقی بلوچی (فولکلور) بود و بخشی پاره‌سازهای سنتی مثل کمانچه و سنتور (موسیقی دستگاهی). بخشی هم ضرب زورخانه روانشاد ناصر فرهنگ‌رپود که می‌ناوخت و می‌خواند. از آنجایی که خواننده نبودم، از



آقای رضوی خواهش کردم در این بخش من را همراهی کنند و پس از ساعت‌ها تمرین اجرا کردیم که بسیار مورد تشویق قرار گرفت. حتی به لندن رفتم و با وجود آنکه انگلیسی‌ها بسیار سخت‌پسند هستند، اما اجرای ما مورد توجه آنها قرار گرفت و بسیار تشویق شدیم. پس از آن ردیف‌نوازی در دستگاه ماهور اجرا کردیم که کار آقای علیزاده بود و من ایده گرفتم که می‌شود ردیفی را که در این فرم ناوخته می‌شود با ریتم به شکل دیگری تغییر داد. اگر نسل امروز ردیف‌ها را خوب گوش دهند، متوجه می‌شوند که جمله‌بندی‌ها تا چه اندازه ریتمیک می‌شود.

❖ **همکاری شما با استاد شجریان به چه شکل انجام شد؟**

در آن زمان آلمان بودم. تلفنی به من شد و ایشان از من دعوت به کار کردند. در آن زمان استاد پیرنیاکان و عدلییی هم حضور داشتند و تور اروپایی داشتند. بلافاصله پس از آن در آمریکا اجرا داشتند و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. کارهایی که اجرا کردیم در قالب سه نوار کاست و یک نوار ویدئویی ضبط و تکثیر شد. بعد با گروه دستان همکاری کردم که آقایان کلهر، متسیم و بهروزنی‌نیا نیز حضور داشتند.

❖ **شما در مقام داور نخستین بار است که در جشنواره ملی موسیقی جوان حضور دارید. تنوع در نوازندگی این نسل را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

درحال حاضر بچه‌هایی که دستشان روی پوست تنبک قرار می‌گیرد، از لحاظ تکنیکی بسیار پیشرفت کرده‌اند و کارهای بسیار خوبی می‌نوازند. در داوروی بسیار شگفت‌زده شدم و به نظرم بسیار توانمند هستند. اما یک نکته وجود دارد و آن هم این است که امیدوارم از لحاظ احساسی نیز بتوانند همین اندازه پیشرفت کنند و فقط تکنیک صرف را در نظر بگیرند. با برخی از بچه‌ها که صحبت می‌کردم، احساس کردم حس در آثارشان کم‌رنگ است و فورته یا‌تو در میان جمله‌بندی‌ها کم است و نیاز نیست دائم با شدت ناوخته شود. باید عادت کنند برخی جملات را پیاپو بنوازند که وقتی با سه‌تار دونوازی می‌کنند، صدای سه‌تار را نپوشانند. این با تمرین برطرف می‌شود.

❖ **اجراها شاید از نظر تکنیکی خوب باشد، اما همان‌طور که اشاره کردید در بحث همراهی با ساز ناتوان هستند. از نظر شما این مشکل از کجا نشئت گرفته است؟**

ببینید، نسل امروز تکنیکی است و رقابتی در این میان وجود دارد. متأسفانه خیلی از این بچه‌ها با گروه کار نکرده‌اند، حال با فرصت نشده و با شرایط آن را نداشته‌اند. برخی دیگر نیز برای خودشان کار کرده‌اند و این ضعف در آنها دیده می‌شود. اما با تمرین می‌توانند یاد بگیرند چطور با یک ساز همراهی کنند و صرفاً روی جمله‌بندی خودشان تأکید نکنند و از ملودی الهام بگیرند. تکنیک باید در خدمت ملودی باشد و براین اساس جمله‌سازی شود. او وقت است که دونوازی بسیار دلنشین شده و نوازنده تنبک بسیار خوب همراه می‌شود و دیگر تک‌نواز نیست. باید آن‌قدر دقیق به ملودی گوش دهند و احساسشان را پیاده کنند تا بتوانند جمله بسازند.

❖ **وسخن آخر؟**

در آستانه ۸۰سالگی هستم و دستم دیگر مناسب کار با تنبک نیست، اما جوانان، آینده عرصه موسیقی کشور هستند. توصیه می‌کنم اگر با هم رقابت می‌کنند، سالم رقابت کنند و اگر کسی بهتر از آنها ساقی می‌زند، از او یاد بگیرند؛ اما در کنار رقافت، نه حسادت. فراموش نکنند که صلح و صفا عامل پیشرفت و موفقیت است.

تأملی بربیک واژه

- دولت**، کارشناسان به دو سطح ستادی و استانی تقسیم‌بندی می‌شوند. کارشناسان استانی نیز به نوبه خود در دو سطح ستاد یا شهرستان مشغول به فعالیت هستند. حداقل سطح تحصیلات دانشگاهی یک کارشناس، کارشناسی (لیسانس) است. در آمار موجود در سازمان امور استخدامی کشور، مشخص نیست از بین دومیلیون۱۱۵هزارو ۴۶۲ شاغل در قوه مجریه، چند نفر از آنان ردیف استخدامی کارشناسی دارند، اما با توجه به اینکه ۸۲ درصد از آنها دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند، احتمالاً بیش از دوسوم‌شان در حوزه‌های کارشناسی مشغول به فعالیت هستند. بر این اساس، بخشی از کیفیت برنامه‌های جاری کشور مربوط به کارشناسان کارشناسی خواهد بود.
- گسست ساختارهای اجرایی از دانشگاه‌ها**: دورشن بخش‌های اجرایی کشور از دانشگاه‌ها، موضوعی است که آسیبی جدی به کیفیت کارشناسی کارشناسان رده است. برای نمونه، در سال‌هایی که سازمان بهزیستی وابسته به وزارت بهداشت بوده و ارتباط تنگاتنگی با دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی (با نام فعلی دانشگاه توان‌بخشی و سلامت اجتماعی) داشت، از کیفیت کارشناسی به مراتب بهتری برخوردار بود. این ارتباط و رفت‌وآمد اعضای هیئت علمی به آن سازمان و بهره‌گرفتن کارشناسان از مشاوره‌های آنان و حتی تفویض بخشی از پست‌های مدیریتی به استادان مجرب آن دانشگاه، افزایش دقت نظر علمی به طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها را به دنبال داشت. در بعضی از سازمان‌های اجرایی، اگر کارشناس ندغدغه انجام امور به شکل علمی و مبتنی بر شواهد را داشته باشد، معمولاً با این جمله مواجه می‌شود که «اینجا دانشگاه نیست». حال آنکه همه پست‌های کارشناسی و مدیریتی منوط به داشتن مدرک دانشگاهی معتبر است تا افراد حین تحصیل، شیوه‌های صحیح انجام کار را فراگرفته باشند. فراهم‌کردن زمینه ارتباط ساختاری بین دانشگاه‌ها و تمامی بخش‌های اجرایی، نقش مهمی در ارتقای برنامه‌های موجود خواهد داشت.
- بی‌توجهی به ارتقای کارشناسان**: در دستگاه‌های اجرایی، کارشناسان سه جایگاه دارند که به ترتیب عبارت‌اند از ارشد، خیره و عالی. با وجود آنکه لازم است کارشناسان امتیازهای لازم را کسب کنند تا بتوانند جایگاه خود را ارتقا ببخشند، ولی بعضاً توجه لازم به این امر نشده و معمولاً به صرف گذشت زمان، کارشناس به شکل خودکار به سطح بالاتر وارد می‌شود. حتی بعضاً مشاهده می‌شود افراد با پست مسئول دفتر (منشی)، به صرف اخذ مدرک تحصیلی، بدون آنکه فرایند خاصی را طی کرده باشند، پشت میز کارشناسی مشغول به کار می‌شوند. از سوی دیگر، چنانچه کارشناس، دانش‌آموخته باسوادی باشد که دانما درصدد به‌روزرکردن علم و دانش خود باشد، با بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های غیرعلمی و بعضاً ضدعلمی مخالفت خواهد کرد. این مسئله ممکن است نه‌تنها ارتقا، بلکه جهسا انزوای را و به دنبال داشته باشد. البته این مهم بر عهده معاونت سرمایه انسانی سازمان امور اداری و استخدامی است که نظارت لازم بر ارتقای کارشناسان را از طریق دستورالعمل‌های جامع فراهم آورد. «کارشناس دون‌پایه» اصطلاحی است که حاویت عدم تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها دارد. رفع این ذهنیت نیازمند تدبیر است.

اخبار برگزیده

«رد مرز» در جشنواره دانمارکی رقابت می‌کند

فیلم کوتاه «رد مرز» به نویسندگی و کارگردانی سروش یاری و به تهیه‌کنندگی محمدرضا خاوری و سروش یاری، به هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی اقلیت‌های آکس به رقابت می‌پردازد. جشنواره بین‌المللی اقلیت‌های آکس، یک جشنواره دوجانبه فیلم و هنر است که هرساله در پاکستان و دانمارک برگزار می‌شود. این جشنواره فیلم‌هایی را به نمایش می‌گذارد که با بحث‌ها و مناظرات همراه است و همچنین کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌های هنری و رویداد‌های هنرهای نمایشی را سازمان‌دهی می‌کند که به ترویج آگاهی اقلیت‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده‌شده می‌پردازد.

هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی اقلیت‌های آکس ۲۴ مهر تا ۱۰ آبان برابر با ۱۵ تا ۲۱ اکتبر در کنوینگ دانمارک برگزار می‌شود. فیلم «رد مرز» به تهیه‌کنندگی محمدرضا خاوری و سروش یاری، به مسائل و مشکلات مهاجران افغانستانی در ایران می‌پردازد. در این فیلم سمیر حیران، طاه‌ا رضوی، علی حسینی و شهروز آقایی، ایفای نقش کرده‌اند.

فهرست عوامل فیلم عبارت‌اند از مدیر فیلم‌برداری: کیوان شعبانی؛ تدوین و مشاور کارگردان: محمدرضا خاوری؛ مشاور فیلم‌نامه: مریم رحمانیان؛ طراح صحنه: پویان باغنده؛ طراح لباس: ملیسا باغنده؛ طراح چهره‌پردازی: لوریمر کوک‌تپه؛ صدابردار: هادی افشار؛ موسیقی: سالار اصغری؛ اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی؛ طراحی و ترکیب صدا: عرفان ابراهیمی؛ تیزر: امید میرزایی؛ طراح پوستر: محمد موحدیان و نسیم گرجی؛ طراح لوگوتایپ: سبحان شفیعی؛ دستیار اول کارگردان: برنامه‌ریز و مدیر تولید: علی نصیر؛ منشی صحنه: مهتاب حبیبی‌ابهری؛ روابط‌عمومی: بهژار شیربانی؛ عکاس: سام مقیمی؛ ترجمه انگلیسی زیرنویس: سیده خلیلی؛ کارشناس زبان فارسی دری: شفیق محمودی؛ مدیر تدارکات: امیرحسین ایمان‌دوست؛ دستیار دوم کارگردان: مانا نجران؛ دستیار اول فیلم‌بردار: پوریا خطیبی‌کیا؛ گروه فیلم‌برداری: فالژ، رفیعی، مرتضی حفا؛ دستیار صدا: مهیار ریحان‌صفت؛ دستیار تولید: میثم بیگ، دستیار لباس: مهدی بازگان و حریر حقیقی؛ بخش بین‌الملل: سولماز اعتماد.

«سانتوش» نماینده بریتانیا در رقابت بین‌المللی اسکار شد

آکادمی بریتانیا فیلم جایی تحسین‌شده «سانتوش» ساخته ساندیا سوری را به عنوان نماینده بریتانیا به بخش رقابتی فیلم بین‌المللی اسکار معرفی کرد.

این فیلم هندی‌زبان که اوایل امسال در بخش رقابتی نوعی نگاه جشنواره کن به نمایش درآمد، احتمالاً با فشار بیشتری وارد رقابت می‌شود؛ زیرا بریتانیا با فیلم «منطقه مورد علاقه» جاناتان گلنیز برنده اسکار بین‌المللی ۲۰۲۴ شد.

این فیلم اولین تجربه کارگردانی یک فیلم داستانی برای فیلم‌ساز بریتانیایی- هندی ساندیا سوری است که بیشتر با مستندهای «من برای هند (۲۰۰۵)» و «در اطراف هند با دوربین فیلم‌برداری (۲۰۱۸)» شناخته می‌شود.

داستان «سانتوش» در مناطق روستایی شمال هند اتفاق می‌افتد. سانتوش که به‌تازگی بیوه شده، شغل شوهر مرحومش را که یاسان بود به ارث می‌برد. وقتی یک دختر زیر سن قانونی از طبقات پایین هند به قتل می‌رسد، او هم توسط یک بازرس زن وارد تحقیق می‌شود.

«سانتوش» به نویسندگی و کارگردانی سوری ساخته شده و شاهانا گوسوامی در نقش اصلی بازی می‌کند و سونیتا راجاوار، دیگر بازیگر فیلم است. پیش از این در نقد و روایتی، از «سانتوش» به عنوان فیلمی هوشمندانه یاد شده که متعده ایستی جذابیت زشت قدرت را از طریق دیدگاه کسانی که آن را در اختیار دارند، تصویر کند.

بریتانیا پیش از کسب اسکار با «منطقه مورد علاقه»، موفقیت چندانی در این رقابت‌ها نداشت و با ۲۰ فیلمی که به اسکار معرفی کرده بود، فقط دو نامزدی برای فیلم‌های ولزی‌زبان «هد وین» در سال ۱۹۹۳ و «سالمون و کاپنور» در سال ۱۹۹۹ به دست آورده بود.